

اصول ارزشی و اخلاقی در ورزش



درباره اخلاق ورزشی

باید پذیرفت که خیلی از ضعف های فنی و حرفه ای ما بعضاً به نبود اخلاق ورزشی در میادین بازی باز می گردد و متأسفانه هنوز برای یافتن الگوی اخلاقی در ورزش باید با فانوس به دنبالش بگردیم.

متأسفانه در ورزش ما وقتی از کسی خطایی سرزد و مرتکب اخلاق زشت و نابهنجار شد از بازیکن گرفته تا سرمربی و مدیر و سرپرست و رئیس فدراسیون همه دست به فرافکنی می زنند.

همانطور که یک بازیکن برای حرفه ای شدن و یادگرفتن اصول اولیه بازی نیاز به مربی دارد چرا نباید نسبت به موضوع والاتر و مهمتری مثل ادب و اخلاق بی تفاوت باشیم و در این بخش بازیکن از مربی اخلاق مدار بی بهره است باید آموزش اخلاق در کنار آموزش جسم توجه قرار گیرد و باشگاه ها باید این مهم را جدی بگیرند و در این زمینه همه نهادهای فرهنگی جامعه باید یاور باشگاه ها و فدراسیون های ورزشی باشند. امروزه اخلاق در ورزش پایه وفاداری و تعهد به اصل انسان مداری است اما یک پرسش! آیا مبحث اخلاقیات واقعا در ورزش وجود دارد؟ شاید به پاکی ورزشی است.

در حالی که نوجوانان ما الگو عینی خود را در قهرمانان ملی می جویند آیا صحیح است صرفاً به دلیل آزادیهای فرد قهرمان ملی ما با ظاهری بزک کرده پا به میدان مسابقه بگذارد. پر مسلم و طبیعی است که نوجوانان با دیدن آن قهرمان به اصطلاح ملی؛ الگو و سرمشق می گیرد و فکر می کند رفتار درست و بهنجار همین است فلذا آیینہ تمام نمای وی می شود.

متأسفانه در ورزش ما باب شده که وفاداری، اخلاق و رعایت معنویات یعنی حضور در مراسم مذهبی که بعضاً از روی اجبار انجام می گیرد. هر چند شرکت در مراسم مذهبی جز ارزش است اما باید بپذیریم که باید مراسم مذهبی را در کنار ادب و تواضع و جوانمردی بسط و توسعه داد. متأسفانه تمام هم و غم مسئولان و دست اندرکاران ورزشی خلاصه شده کسب مدال!

در صورتیکه اگر کسب مدال در کنار روح پهلوانی و رفتار جوانمردانه و توأم با اخلاق و مذهب باشد ورزشکار بیشتر در دل جامعه جای می گیرد. ورزشکاران و قهرمانان ملی بیشماری در کشور در طول سالیان دراز مدال های رنگارنگ و متعدد کسب کردند و به اصطلاح اشتہار و معروفیت خاص برخوردار بودند اما تنها یک نفر از آنان تختی شد و در میان مردم محبوب شد و رفت در گنجینه دل تاریخ.

قهرمانان ماندگار و محبوب در جامعه کسانی بودند که چند بُعدی بودند هم در زمینه ورزش قهرمانی و هم با اخلاق و روح پهلوانی و فتوت توانستند در دل جامعه رسوخ پیدا کنند.

چه بسیار قهرمانانی بودند که بیش از تختی مدال های جهانی و المپیک کسب کردند اما در صحیفه ذهنی مردم و در حافظه تاریخیشان چیزی از آنها جز یک "اسم تنها" به خاطر نمانده است. اما امروز با گذشت بیش از چهل و سه سال باز تختی را به عنوان اسطوره پهلوانی و جوانمردی در ذهن ها به خاطر دارند.

اگر ورزش را به عنوان یک پیشه و حرفه در نظر بگیریم اخلاق ورزش گونه‌ای، اخلاق حرفه‌ای است. به تعبیر دیگر همانطور که ما در پزشکی، مهندسی، تجارت و اقتصاد نیاز به پیروی از هنجارهایی داریم، ضرورت پیروی از هنجارها در اینجا هم حس می‌شود. عده‌ای شعار ورزش قهرمانی را برترین، بهترین، سریعترین و چابکترین و .. ذکر کرده‌اند. ورزش قهرمانی بخشی از منظومه کلان تری است که جهان ما را در بر گرفته و آن اقتصاد آزاد نام دارد. در این گستره هر کسی باید کالاهای خود را عیان کند و برترین کالا طبیعتاً ارج و قرب بیشتری دارد.

در این میان نیرو و توان و بدن انسان هم به عنوان یک کالا که باید ارزیابی شود مورد توجه قرار می‌گیرد. از الزامات ورزش قهرمانی، آوردن حداکثر فشار و انرژی برای ثبت استانداردها و معیارهای بهتر است. اما پرسشی مهم در اینجا سر بر می‌آورد و آن این است که چه محدودیتهای اخلاقی در این زمینه باید وجود داشته باشند. این محدودیتها نه تنها باید مورد توجه قهرمانان قرار گیرند که نهادها و نظامهای ورزشی هم باید بدانها عطف توجه نشان دهند.

نهادهای قانونی ورزش با نظارت شدیدی بر افراد و نهادهایی که می‌توانند از مواد نیروزا استفاده کنند سعی می‌کنند یک مانع حقوقی برای سوء استفاده از قوانین و میلی سرسام آور که برای پیروزی وجود دارد پیدا کنند. از سوی دیگر تکنولوژی جدید بسیار به مدد ورزش آمده تا خطاهای انسانی و همچنین سوء استفاده‌هایی که می‌توانند صورت گیرند به حداقل ممکن خود برسند. این اما همه ماجرا نیست.

اولاً موضوع اخلاق رابطه است و رابطه صرفاً رابطه با رقیب محسوب نمی‌شود. موضوع اخلاق رابطه با هم تیمی و حتی با خود هم هست. هیچ قانونی ورزشی نمی‌تواند به یک بازیکن فوتبال بگوید چگونه با یار خودی رفتار کند و چگونه حب و بغضهای شخصی را در رابطه‌ای ورزشی و انسانی که با هم تیمی اش دارد دخالت ندهد.

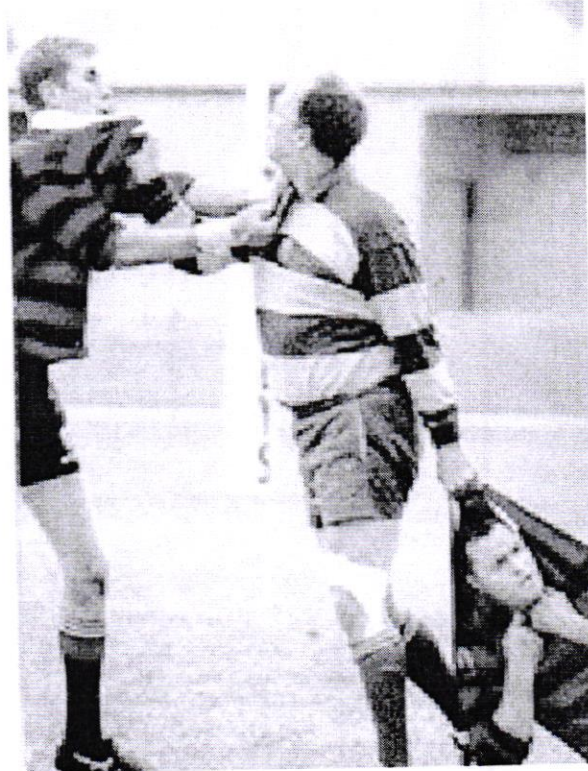
از سوی دیگر معرفت اخلاقی علاوه بر آنکه از جنس ارتباط است از جنس معرفت هم هست یعنی چیزی بر معارف ما می‌افزاید. اینکه در یک مسابقه تنها یک تیم قهرمان می‌شود و اینکه ورزش علاوه بر قهرمانی کارکردهایی دیگر برای سلامت روح و جسم دارد و اینکه ورزش یک زندگی فشرده شده است همه معارفی هستند که هرچند تأثیرات اخلاقی زیادی دارند اما بیش و پیش از آن، اینها بر معرفت ما می‌افزایند. معرفتی که بسی به کار ما می‌آید.

ورزش غیرحرفه‌ای البته شاید به اندازه ورزش حرفه‌ای به اخلاق ویژه نداشته باشد. اخلاق حرفه‌ای اخلاق یک پیشه و یک حرفه است و همانطور که تجارت، اقتصاد، فکر، تکنولوژی، پزشکی و رسانه نیز به اخلاقی خاص خود نیاز دارند ورزش حرفه‌ای نیز بدین اخلاق نیاز دارد. در این میان دغدغه متفکران اخلاق ورزش حرفه‌ای آن است که به معیارها و کدهایی اخلاقی توسل جویند که میان همه فرهنگها و هویتها مشترک است هرچند که پاره‌ای معتقد هستند این امید را باید کم‌رنگ کرد چرا که تفاوتهای فرهنگی تأثیر خود را بر تفاوتهای معیارهای اخلاقی ورزش حرفه‌ای هم خواهند گذاشت.

با این همه مدافعان یک اخلاق ورزش حرفه‌ای عام و جهانشمول تأکید دارند اگر معیاری بتواند این جهانشمولی را به وجود آورد همان قاعده طلایی است. بر طبق این قاعده کاری را که نمی‌خواهی با تو بکنند با دیگری مکن. به نظر این افراد این قاعده است که نه تنها همه ورزشکاران حرفه‌ای باید بر طبق آن رفتار کنند که اینگونه هم رفتار می‌کنند.

به طور مثال اگر فوتبالیستها از قاعده بازی جوانمردانه پیروی می‌کنند مبتنی بر قاعده طلایی از آن پیروی می‌کنند. این قاعده با گونه‌ای فایده‌گرایی هم قابل توجهی است. اینکه اگر تو به این حرکت دست نزنی طرف مقابل تو هم همین شیوه را اتخاذ خواهد کرد.

لزوم نهادینه سازی اخلاق در ورزش



ورزش کردن فقط برای سلامتی بدن نیست

امروزه جایگاه ورزش در میان کشورهای جهان از ویژگی خاصی برخوردار است و به عنوان یک پدیده فرهنگی و اجتماعی مطرح شده و گستره آن از حیطه های فردی به حیطه های اجتماعی رسیده است. به همین دلیل مطالعه ورزش و بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن امری لازم و ضروری به نظر می رسد. اکثر کشورها به دلایل مختلف از جمله شناساندن فرهنگ و تمدن کشور خود به دیگر کشورها و جذب گردشگران و توسعه صنعت توریسم، درصدد برپایی المپیکها، جامه های جهانی و غیره می باشند و رقابت نزدیکی برای گرفتن سهمیه و برگزاری مسابقات ورزشی در کشورشان با کشورهای دیگر دارند. در کنار موارد و مزایای مطرح شده، ورزش کردن عاملی برای تحرک جامعه و شادی و نشاط اجتماعی است.

زیرا کم تحرکی و عدم ورزش، موجب افسردگی افراد جامعه می شود. ورزش می تواند نقش مهم و بسزایی در هویت ملی و انسجام ملی ایفا نماید و از طریق آن می توان بر اختلافات فائق آمد. تقریباً در هر جامعه ای، ورزش یک نهاد اجتماعی بسیار برجسته به شمار می رود. باید به این نکته مهم توجه داشت که ورزش کردن فقط برای سلامتی بدن نیست، بلکه به منظور سلامتی روح و روان افراد نیز می باشد. در نتیجه یک ورزشکار می بایست در کنار تقویت بنیه بدنی به فکر سلامتی روحی و روانی خود باشد و این کار زمانی محقق می شود که اخلاق در ورزش گسترش و تعمیق یابد.

یکی از نتایج تجاری شدن ورزش، کاهش آماتورگرایی و رشد حرفه ای گرایی است. از ویژگیهای خاص آماتور این است که مشارکت در آن به جهت عشق و علاقه به ورزش است و نه به دلیل پادشاهی بیرونی؛ ولی در ورزش حرفه ای برعکس این موضوع است. متأسفانه با افزایش روند ورزش حرفه ای در کشور، برخی ورزشکاران فقط به فکر کسب مقام قهرمانی در رشته خود بوده و کمتر به اخلاق حرفه ای توجه می کنند. این موارد مختص به یک کشور خاص نمی شود، بلکه ورزشکاران سایر کشورها نیز با این موضوع درگیر هستند.